



تاریخ سلجوقیان در سرزمین شام (۴۷۱-۵۱۱ق / ۱۰۷۸-۱۱۱۷م)

محمدسهیل طقوش

ترجمه

دکتر لیدا موذت

استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز

با همکاری

دکتر شکرالله خاکرند

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز

دکتر جواد موسوی دالینی

استادیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۳۹۶

طغوش، محمدسهیل
 تاریخ السلاجقه فی بلاد الشام ۴۷۱-۵۱۱/۱۰۷۸-۱۱۱۷ م. فارسی
 تاریخ سلجوقیان در سرزمین شام (۴۷۱-۵۱۱ ق. / ۱۰۷۸-۱۱۱۷ م.) / محمدسهیل طغوش؛ مجری و مترجم لیدا مودت،
 با همکاری شکرالله خاکرند، جواد موسوی دالینی؛ ویراستار سعیدرضا علی‌عسگری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶.
 سیزده، ۳۲۲ ص. — (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۴۰۲: تاریخ؛ ۹۵)
 بها: ۱۷۸۰۰۰ ریال
 ISBN: 978-600-298-158-5
 فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
 کتابنامه. ص. [۲۸۷] - ۲۹۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 نمایه.
 ۱. سلجوقیان — سوریه — تاریخ. ۲. Seljuks — Syria — History. ۳. سلجوقیان — تاریخ — قرن ۵-۶ ق.
 ۴. Seljuks — History — 11-12th centuries. ۵. جنگ‌های صلیبی — اول، ۱۰۹۶-۱۰۹۹ م.
 ۶. Crusades — First, 1096-1099 الف. مودت، لیدا، ۱۳۶۲-، مترجم. ب. خاکرند، شکرالله، ۱۳۴۰-، مترجم.
 ج. موسوی دالینی، جواد، ۱۳۶۰-، مترجم. د. علی‌عسگری، سعیدرضا، ویراستار. ه. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. و. عنوان
 ۹۵۶/۹۱۰۲ DS۹۷/ط۷ت۲۰۴۱ ۱۳۹۶
 شماره کتابشناسی ملی
 ۴۶۹۹۵۶۰



تاریخ سلجوقیان در سرزمین شام (۴۷۱-۵۱۱ ق / ۱۰۷۸-۱۱۱۷ م)

مؤلف: محمدسهیل طغوش

ترجمه: دکتر لیدا مودت (استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز)

با همکاری دکتر شکرالله خاکرند (دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز) و دکتر جواد موسوی دالینی (استادیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویرایش: سعیدرضا علی‌عسگری

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۶

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۱۷۸۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)
 نمایر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع کمک درسی «تاریخ تحولات سیاسی ایران در دوره سلجوقیان»، «تاریخ تحولات سیاسی جهان اسلام از سال ۲۲۷ق تا ۶۵۶ق» و «تاریخ اروپا در قرون وسطی» برای دانشجویان رشته تاریخ در مقطع کارشناسی و همچنین به عنوان منبع اصلی درس «تاریخ اسلام در مصر و شام» برای دانشجویان رشته تاریخ در مقطع کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی قابل استفاده است.

امید آنکه علاوه بر جامعه دانشگاهی دیگر علاقه‌مندان به مطالعات تاریخی در زمینه تاریخ سلجوقیان، تاریخ شام، حضور بیزانس در شام و تاریخ جنگ‌های صلیبی بتوانند از این کتاب بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مترجم محترم سرکار خانم دکتر لیدا مودت و همکاران ایشان آقایان دکتر شکرالله خاکرند و دکتر جواد موسوی دالینی و نیز از ارزیاب محترم استاد محمدهادی یوسفی غروی سپاسگزاری کند.

پیشگفتار

دو نیاز، «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» را بر آن داشت تا طرحی را در زمینه تاریخ دولت‌های مسلمان عرضه کند: نخست آنکه در دروس کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته‌های «تاریخ» و «تاریخ تمدن اسلامی»، عناوینی چند درباره شناخت تاریخ دولت‌های مسلمان وجود دارد که در خصوص بسیاری از آنها کتابی تألیف نشده است. بنابراین، عرضه کتاب‌های مناسب برای پر کردن این خلأ، ضروری به نظر می‌آید؛ دوم آنکه امروزه با وجود جمهوری اسلامی ایران، شناخت پیشینه دولت‌های بزرگ اسلامی در طول تاریخ، بسیار سودمند و راهگشاست. دولت اسلامی ایران، که در امتداد دولت‌های بزرگ اسلامی قرار دارد و منادی احیای تمدن بزرگ اسلامی است، باید بر تجربه‌های به دست آمده تکیه کند و از آنها بهره‌مند گردد. بر این اساس لازم بود تا فهرستی از این دولت‌ها تهیه، و برای هر یک کتابی مناسب تألیف یا ترجمه شود. گزینش این دولت‌ها براساس دامنه نفوذ آنها در ابعاد زمانی و مکانی صورت گرفته است؛ چنان‌که گاه برخی از آنها در شرق و برخی در غرب، سال‌ها قدرت سیاسی بزرگی را در اختیار داشته و در عرصه فرهنگ و تمدن اسلامی و جغرافیای سیاسی جهان نقشی مهم ایفا کرده‌اند.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
گروه تاریخ

تقدیم به پسر عزیزمان سپهر

(مودت - موسوی)

سخن مترجم

در نیمه اول قرن پنجم هجری گروهی از ترکمانان غز به رهبری سلجوقیان به خراسان وارد شدند. مهاجرت بزرگ قبایل ترک از آسیای مرکزی به ایران افزون بر آنکه منجر به تأسیس حکومت سلجوقیان گردید، پیامدهای دیگری را نیز دربر داشت. مهاجرت و هجوم قبایل ترک به مناطقی چون شام و آسیای صغیر، گسترش مرزهای سلجوقیان تا دریای مدیترانه و تغییر در ترکیب و بافت نژادی مناطق از جمله این پیامدهاست. از این رو تاریخ دوره سلجوقیان را می‌توان از مهم‌ترین ادوار تاریخ ایران و اسلام به شمار می‌آید.

یکی از جریان‌های عمده در سیاست خارجی سلجوقیان گسترش متصرفات به سمت غرب از جمله شام و آسیای صغیر بود. اوضاع سیاسی شام در قرن پنجم هجری از ثبات سیاسی برخوردار نبود. از یک سو در شمال شام حکومت‌های محلی عربی تأسیس شده و از سوی دیگر فاطمیان به‌عنوان رقیب سیاسی، مذهبی و اقتصادی سلجوقیان، در مرکز و جنوب شام و شهرهای ساحلی تسلط داشتند. سلجوقیان قصد داشتند، فاطمیان را از شام رانده و آنان را در مصر از میان برند. سلاطین سلجوقی (طغرل، آلب ارسلان و ملک‌شاه) به منظور پیشبرد سیاست‌های توسعه طلبانه و همچنین کاهش مزاحمت ترکمانان آنان را به شام اعزام کردند که از این طریق قدرت خود را به فاطمیان و بیزانس نشان دهند.

فتوحات اتسز در شام و انتخاب تتش به‌عنوان والی شام از سوی ملک‌شاه سلجوقی از جمله اقدامات مؤثر سلجوقیان برای استیلا بر این منطقه بود. تتش موفق شد، با تصرف دمشق و اخراج اتسز حکومت سلجوقیان شام را تأسیس نماید. تتش افزون بر دمشق پس از چندی توانست حلب را نیز به قلمرو خود بیفزاید. پس از مرگ وی حاکمیت سلاجقه شام رو به

اضمحلال نهاد و این سرزمین میان دو فرزند وی، رضوان (در حلب) و دقاق (در دمشق) تقسیم شد. جنگ و نزاع همیشگی این دو برادر از یک سو موجب تضعیف و عدم ثبات سیاسی منطقه شام شد و از سوی دیگر اختلافات میان امرای مسلمان زمینه را برای پیشرفت صلیبی‌ها فراهم کرد. تا آنکه پس از مرگ دقاق اتابک وی، طغتگین زمام امور دمشق را به دست گرفت. وی حکومت اتابکان دمشق (بوری) را تأسیس نمود که بدین ترتیب حکومت سلاجقه شام شاخه دمشق منقرض گردید. اما شاخه حلب سلجوقیان شام در سال ۵۱۱ق، با تسلیم کردن شهر توسط اهالی شهر به ایلغازی امیر ارتقی به پایان رسید.

کتاب حاضر تاریخ سلجوقیان در سرزمین شام (۴۷۱-۵۱۱ق/۱۰۷۸-۱۱۱۷م) نوشته محمد سهیل طقوش به اوضاع سیاسی و نظامی شام در این برهه زمانی پرداخته است. سلجوقیان شام از شاخه‌های مهم سلجوقیان بودند که تاکنون نوشتاری در این زمینه نگاشته نشده است. این کتاب در نوع خود بدیع و نو است. بدین ترتیب ترجمه این کتاب به فارسی برای دانشجویان و پژوهشگران رشته تاریخ ضروری به نظر می‌رسد.

نویسنده با استفاده از منابع دسته اول در ده فصل زمینه‌های تاریخی و چگونگی ورود ترکان به شام، استقرار و مواجه آنان با حکومت‌های محلی عرب منطقه، تأسیس سلجوقیان شام، منازعات میان سلجوقیان با یکدیگر و کشمکش‌های آنان با صلیبی‌ها پرداخته است. وی تلاش دارد جنبه‌های سیاسی و نظامی این منطقه را در این برهه زمانی به تصویر کشد.

در اینجا لازم است، از مسئولان محترم پژوهشکده حوزه و دانشگاه؛ مدیر محترم گروه تاریخ حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای رمضان محمدی که زمینه انتشار این اثر را فراهم ساختند و کارشناس محترم جناب آقای اسماعیل یارمحمدی که افزون بر امور اداری، کار روحوانی نهایی متن و نمایه‌گیری اثر را بر عهده داشته‌اند سپاس‌گزاری می‌کنیم.

بر خود فرض می‌دارم، از استاد بزرگوارم پروفسور، جناب آقای دکتر سید ابوالقاسم فروزانی، عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه شیراز که در حوزه تاریخ سلجوقیان صاحب نظر هستند، به جهت استفاده از دیدگاه‌ها و نظرات ارزشمندشان کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم.

لیدا مودت

تابستان ۱۳۹۶

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

فصل اول: اصل و ریشه ترکان و روابط زودهنگام آنان با مسلمانان

۷	ریشه و اصل ترکان.....
۱۱	فتح سرزمین ترک‌ها.....
۱۱	در عصر خلفای راشدین.....
۱۳	در عصر امویان.....
۱۹	در عصر عباسیان.....
۲۴	استخدام ترک‌ها در دستگاه‌های دولتی.....

فصل دوم: اوضاع سیاسی مشرق عربی (اسلامی) اندکی قبل از ورود سلجوقیان

۲۹	مقدمه.....
۳۰	اوضاع سیاسی عراق.....
۳۰	تأسیس دولت آل بویه.....
۳۲	گسترش آل بویه در عراق.....
۳۳	رابطه خلافت عباسی با آل بویه.....
۳۵	اوضاع سیاسی سرزمین شام.....
۳۵	تقسیم سیاسی سرزمین‌های شام.....
۳۶	تقسیم جغرافیایی منطقه جزیره.....
۳۷	فعالیت‌های زودهنگام ترکان در سرزمین شام.....
۴۵	نیروهای سیاسی در سرزمین شام.....
۴۵	وضعیت سکونت.....
۴۶	اوضاع دینی.....
۴۷	اوضاع اقتصادی.....
۴۸	— جنگ با بیزانس.....

۴۹	— ظلم والیان
۴۹	— بلایای طبیعی
۵۱	دولت فاطمی
۵۴	امارت بنی مرداس
۵۷	امارت بنی عقیل
۵۸	امارت بنی مروان
۶۰	امارت بنی منقذ در شیزر
۶۰	نیروی احداث

فصل سوم: ظهور سلجوقیان

۶۳	قدرت‌های سیاسی در ماوراءالنهر و خراسان اندکی قبل از ظهور سلجوقیان
۶۳	حکومت سامانی
۶۹	حکومت قراخانیان
۷۱	سلطنت غزنویان
۷۵	اصل سلجوقیان
۷۷	تأسیس سلطنت سلجوقیان در خراسان
۸۵	نتایج تأسیس دولت سلجوقیان — نبرد دندانقان
۸۹	ورود سلجوقیان به بغداد
۹۰	رابطه خلافت عباسی با سلجوقیان

فصل چهارم: حمله ترکان به سرزمین شام

۹۳	مقدمه
۹۴	نخستین گروه‌های ترک
۹۴	ترکان عراقی
۹۷	بررسی نخستین حمله ترکان
۹۸	موج ترکان سلجوقی
۱۰۵	تاریخ ورود ترکان سلجوقی به شام
۱۰۶	مداخله مستقیم ترکان در اوضاع شام
۱۰۶	ابن‌خان
۱۱۰	افشین
۱۱۱	صندق
۱۱۲	ناوکیه
۱۱۴	تلاش سلجوقیان برای الحاق حلب و حمله سلطان آلب ارسلان
۱۱۹	درگیری سلجوقیان و بیزانس
۱۲۰	نفوذ ترکان در جنوب شام و الحاق دمشق به قلمرو اتسز
۱۲۴	تلاش اتسز برای الحاق حلب به قلمرو خود

تلاش اتسز برای الحاق مصر..... ۱۲۶

فصل پنجم: استقرار سلجوقیان در شام

انتخاب تتش به‌عنوان حاکم شام.....	۱۲۹
تلاش تتش برای الحاق حلب.....	۱۳۰
تصرف دمشق از سوی تتش.....	۱۳۳
سقوط دولت مرداسی و تأسیس دولت عقیلی در حلب.....	۱۳۵
تأسیس دولت بنی‌منقذ در شیزر.....	۱۳۸
ارتباط مسلم بن قریش و تتش.....	۱۳۸
سرکوب شورش اهالی حزان.....	۱۴۲
تلاش ملکشاه برای تصرف جزیره و شام.....	۱۴۳
درگیری میان مسلم بن قریش و سلیمان بن قنمیش.....	۱۴۴
تأسیس سلطنت سلاجقه روم.....	۱۴۴
توسعه سلجوقیان روم در شمال شام.....	۱۴۶
فتح انطاکیه.....	۱۴۶
تلاش برای الحاق حلب.....	۱۴۷
اوضاع داخلی حلب پس از مسلم بن قریش.....	۱۴۹
درگیری میان سلجوقیان در حلب.....	۱۵۰
تصرف حلب از سوی سلطان ملکشاه.....	۱۵۲

فصل ششم: شام، در حاکمیت سلجوقیان

حلب، تحت حکومت آق‌سنقر.....	۱۵۳
سیاست داخلی آق‌سنقر.....	۱۵۴
سیاست خارجی آق‌سنقر.....	۱۵۷
توسعه نفوذ تتش به سمت مرزهای ساحلی.....	۱۵۸
جنگ میان تتش و آق‌سنقر.....	۱۶۰
ادغام شام از سوی تتش.....	۱۶۶
جنگ میان تتش و برکیارق و پایان تتش.....	۱۶۷

فصل هفتم: اوضاع داخلی شام در زمان پسران تتش

تقسیم قدرت در شام.....	۱۶۹
جنگ میان دو برادر؛ رضوان و دقاق.....	۱۷۱
درگیری امیران در حلب در زمان رضوان.....	۱۷۶
قیام‌هایی علیه حکومت سلجوقی در شمال شام.....	۱۷۹
روابط رضوان با نیروهای مسلمان.....	۱۷۹
رابطه رضوان با خلافت عباسی.....	۱۷۹

۱۸۰	رابطه رضوان با فاطمیان
۱۸۲	بازپس‌گیری بخشی از نفوذ در شام از سوی فاطمیان
۱۸۳	رابطه رضوان با اسماعیلیان
۱۸۳	ریشه‌های تاریخی
۱۸۴	استفاده رضوان از اسماعیلیان
۱۸۶	رابطه دقاق با امیران همسایه
۱۸۸	مرگ دقاق
۱۸۹	مرگ رضوان

فصل هشتم: اوضاع سیاسی حلب بعد از مرگ رضوان

۱۹۱	زمان لؤلؤ خادم
۱۹۸	زمان یاروق‌تاش
۲۰۱	زمان ارتقیان و افتادن حلب به دست زنگیان

فصل نهم: سلجوقیان شام در مقابله با صلیبیان در شمال شام

۲۰۷	درگیری‌های نظامی در شمال شام
۲۰۷	حرکت صلیبی
۲۰۹	جنگ اول صلیبی
۲۱۱	اوضاع جهان اسلام در زمان ورود نخستین لشکریان صلیبی
۲۱۱	نتایج نخستین حمله صلیبیون
۲۱۱	سقوط نبقیه
۲۱۲	تأسیس امارت رها
۲۱۳	تأسیس امارت انطاکیه
۲۱۳	مقدمه
۲۱۵	جنگ باره
۲۱۷	جنگ عمق
۲۱۹	سقوط انطاکیه
۲۲۱	حمله کربوغا
۲۲۳	عوامل سقوط انطاکیه
۲۲۵	نتایج سقوط انطاکیه
۲۲۷	اوضاع قانونی انطاکیه
۲۲۸	حمله صلیبیان به معزة النعمان
۲۲۹	تأسیس امارت انطاکیه از سوی بوهوموند
۲۳۰	پیشروی بوهوموند در اطراف رود عاصی
۲۳۲	گرفتار شدن بوهوموند در اسارت مسلمانان
۲۳۳	نتایج اسیر شدن بوهوموند به دست مسلمانان

۲۳۴ آزادی بوهوموند از اسارت
۲۳۶ حمله بوهوموند به حلب
۲۳۷ جنگ بلیخ
۲۳۸ نتایج جنگ بلیخ
۲۴۰ جنگ ارتاح
۲۴۲ ائتلاف‌های گوناگون در شمال شام
۲۴۶ جنگ دوباره میان رضوان و تانگرد
۲۴۹ واکنش مسلمانان
۲۵۰ تکرار حملات مسلمانان علیه رها
۲۵۱ درخواست کمک رضوان از نیروهای اسلامی

فصل دهم: سلجوقیان شام در مقابله با صلیبیان در جنوب شام

۲۵۹ درگیری‌های نظامی در جنوب شام
۲۵۹ موضع امیران عربی میانه شام در برابر لشکرکشی صلیبی
۲۶۳ تسلیم شدن شهرهای ساحلی
۲۶۵ سقوط بیت‌المقدس
۲۷۱ تأسیس امارت بیت‌المقدس
۲۷۳ پراکندگی صلیبیان در جنوب شام
۲۷۷ حمله دقاق به نیروهای صلیبی در بعلبک
۲۷۸ توسعه قدرت صلیبیان به سوی سواد
۲۷۹ درگیری دقاق با بالدوین حاکم رها
۲۸۱ تأسیس دولت بیت‌المقدس
۲۸۳ نقشه توسعه طلبانه بالدوین در برابر مسلمانان
۲۸۵ نتیجه

منابع و مأخذ

۲۸۷ منابع عربی
۲۹۰ منابع جدید
۲۹۱ منابع جدید به دیگر زبان‌های اسلامی
۲۹۱ منابع به زبان‌های اروپایی

نمایه‌ها

۲۹۳ نمایه اسامی
۳۰۹ نمایه اماکن
۳۱۹ نمایه نوشتارها

مقدمه

این پژوهش، به بررسی تاریخ سلجوقیان در شام از جنبه سیاسی و نظامی و در فاصله زمانی چهل ساله میان سال‌های ۴۷۱ تا ۵۱۱ق، می‌پردازد.

حوادث و اتفاقات طی این چهل سال بسیار بوده و شرایط و اوضاع دچار تغییرات و نوسان‌های فراوان سیاسی و نظامی شده و به‌طور مستقیم بر تاریخ شرق اسلام تأثیر گذاشته است. در زمانی قبل از این تاریخ، شاهد مهاجرت ترک‌ها به غرب آسیا و ورود آنان به عمق زندگی اجتماعی، سیاسی و نظامی شام هستیم.

ترکان از جمله اقوامی هستند، که تاریخی کهن دارند. نقش آنان در تاریخ، از قرن سوم پیش از میلاد آغاز شد. قبل از اسلام میان آنان و اعراب روابطی برقرار بود؛ زیرا هر دو گروه به‌عنوان سرباز در لشکرهای ایران و روم به خدمت گرفته می‌شدند. همچنین برخی عرب‌ها و ترکان طی فتوحات مسلمانان در سرزمین ماوراءالنهر با یکدیگر از نزدیک آشنا شدند، که نتیجه آن اسلام آوردن شماری از ترکان بود. سپس در عصر اموی بعضی از عناصر ترک در لشکر مسلمانان، در دستگاه‌های دولتی و قصرهای خلفا به‌طور محدود به‌کار گرفته شدند. در این زمان ترکان هیچ‌گونه تأثیر سیاسی در جامعه اسلامی نداشتند. به‌کارگیری ترکان، در عصر عباسی اول (۱۳۲-۲۳۲ق) گسترش یافت و ترکان به عمق زندگی مسلمانان نفوذ کردند. البته تا آنجا که خلیفه به آنان اجازه می‌داد. مأمون عباسی برای ایجاد توازن میان دو عنصر عرب و ایرانی، ترکان را در لشکر خود به‌کار گرفت. از این‌رو آنان در صحنه حوادث بغداد به‌طور آشکارا وارد عمل شدند. خلیفه معتصم این نژاد جدید و رو به رشد را به دلیل استفاده از استعدادهای نظامی آنان در محافظت از دولتش و باقی ماندن در مقام خلافت در سایه جنگ عربی-ایرانی به‌کار گرفت

و از ترکان به طور گسترده در لشکرش استفاده کرد. بدین ترتیب آنان را تحت سلطه یکی از فرماندهان ترک در حکومت تثبیت کرد. همچنین در زمینه سیاسی برای ترکان، مرکزی را قائل شد. ترکان در عصر عباسی دوم (۲۳۲-۳۳۴ق) گام‌های بزرگ‌تری برداشتند و در عزل و نصب خلفا مداخله کردند و توانستند حکومت‌های مستقلی مانند دولت اخشیدیان و طولونیان در مصر زیر نظر خلیفه تأسیس کنند.

در عصر سوم عباسی (۳۳۴-۴۴۷ق) واکنشی منفی در برابر نفوذ و قدرت ترکان ایجاد شد. از آن جمله جنبش شیعی زیدی آل بویه واکنشی در برابر نفوذ ترکان بود؛ اما حضور ترکان در شرق جهان اسلام همچنان پررنگ بود، به گونه‌ای که دولت‌های قراخانیان و غزنویان را تأسیس کردند، حتی در تشکیل دولت‌هایی ایرانی مانند سامانیان نیز مؤثر بودند.

ترکان سلجوقی در اواخر قرن چهارم هجری/دوازده میلادی، پس از آنکه جایگاه اصلی خود را در آسیای مرکزی ترک کردند، در صحنه سیاسی ماوراءالنهر ظاهر شدند. آنان که پیرو دین اسلام و مذهب سنی بودند، وارد بازی رقابت بر سر قدرت با نیروهای محلی گشتند.

ترکان سلجوقی موفق شدند، غزنویان را در خراسان شکست دهند و حکومت ترک سلجوقی را تأسیس کنند. شهر نیشابور به عنوان پایتخت انتخاب شد و سرانجام برای به رسمیت شناختن حکومت خود مشروعیتشان را از خلیفه عباسی دریافت کردند. در این زمان سلجوقیان مصمم شدند، به سمت غرب نفوذ کنند تا خلافت عباسی را از سیطره آل بویه خارج سازند. بنابراین، وارد بغداد شدند و با از میان برداشتن آل بویه و سیطره بر دستگاه‌های قدرت عباسیان، خود را تا نزدیکی مرزهای بیزانس در شمال و شمال شرقی مرز شام کشاندند.

سرزمین سوریه در این زمان میان چند قدرت تقسیم شده بود. در شمال، عرب‌ها حکومتی در حلب و مناطق مجاور آن تأسیس کرده بودند. فاطمیان بر مرکز، جنوب شام و بر بخش‌هایی از فلسطین و شهرهای ساحلی سلطه داشتند. سلجوقیان با کمک خلافت عباسی علیه فاطمیان جنگ کهن شیعه و سنی را ادامه دادند و تصمیم گرفتند فاطمیان را از شام بیرون ساخته و در مصر نابود کنند و این سرزمین را به خلافت عباسی بازگردانند. سرزمین شام شاهد مهاجرت گروه‌های مختلف ترک‌ها به رهبری افرادی بود که در چارچوب کلی به نفع سلجوقیان فعالیت داشته و زمینه را برای سلطه سلجوقیان فراهم می‌کردند. آتسز یکی از رهبران ترک سلجوقی توانست دمشق و بیت‌المقدس را تصرف کند. این موفقیت‌های فردی ترکان، سلطان ملکشاه سلجوقی را تشویق کرد،

که وارد میدان رقابت و سیطره شود. بنابراین، برادرش تاج‌الدوله تَشُّش را به‌عنوان والی شام و مناطق مفتوحه انتخاب کرد. سلطان به وی دستور داد، تا افزون بر ملحق کردن شام به قلمرو سلجوقی، فاطمیان را نیز در مصر نابود کند. تَشُّش در سال ۴۷۰ق/۱۰۷۸م، همراه با نقشه و دستور سلطان سلجوقی وارد شام شد. وی دمشق را از تصرف آتسز خارج کرد و سلطنتی تأسیس کرد که در تاریخ به سلطنت سلاجقه شام مشهور است. او قبل از کشته شدن در جنگ با برادرش سلطان برکیارق بن ملک‌شاه در سال ۴۸۸ق/۱۰۹۵م، توانست حلب را نیز به قلمرو خویش ملحق سازد.

فرزندان تَشُّش، رضوان و دقاق در پی جنگ بر سر قدرت، املاک تَشُّش را تقسیم کردند. بدین ترتیب امیران قدرتمند و با نفوذ نیز برای حفظ امتیازهای خود، باعث تقویت این تقسیم‌بندی املاک شدند، که در نهایت به تقسیم شام میان دو برادر منجر شد. بنابراین رضوان بر سرزمین‌های شمال شام حکومت کرد و شهر حلب را پایتخت قرار داد و دقاق نیز بر سرزمین‌های شام مرکزی و بخش‌هایی از جنوب تسلط یافت و دمشق را پایتخت قرار داد. روابط میان دو برادر خصمانه بود و هر کدام می‌کوشیدند، املاک دیگری را متصرف شود و همه شام را تحت سلطه خود درآورد.

در همین زمان جنگ اول صلیبی آغاز شد. صلیبی‌ها در شام با نیروهایی مواجه شدند، که جنگ‌های داخلی آنان را پراکنده و متفرق ساخته بود. این مسئله زمینه را برای صلیبی‌ها فراهم آورد، تا انطاکیه را اشغال کنند و برای خود حکومتی در این منطقه برپا سازند.

آنان به لشکرکشی خود به سوی بیت‌المقدس ادامه دادند، بی‌آنکه با مقاومتی مواجه شوند، شهر به دست آنان افتاد. بدین ترتیب دولت بیت‌المقدس را در برابر دیدگان نیروهای اسلامی تأسیس کردند، ولی روابط سلجوقیان و صلیبیان بیشتر خصمانه بود.

پراکندگی و آشفتگی سیاسی پس از مرگ این دو برادر در سال‌های ۴۹۷ق/۱۱۰۴م تا ۵۰۷ق/۱۱۱۳م همچنان سراسر شام را فراگرفته بود. نیروهای اسلامی از مصیبت‌هایی که صلیبیان بر سر آنان آوردند، پند نگرفتند. در جنوب طغتنین اتابک دقاق زمام امور دمشق را برعهده گرفته بود. وی برای خود و خانواده‌اش در دمشق حکومتی تأسیس کرد که در تاریخ به حکومت بوری (آل بوری) مشهور است. در شمال، چندین قدرت برای سلطه بر حلب با هم به جنگ می‌پرداختند. در نهایت حلب به دست عمادالدین زنگی، مؤسس دولت اتابکان زنگی افتاد.

تاکنون موضوع تاریخ سلجوقیان شام چندان توجه و عنایت مورخان عصر جدید را به خود

جلب نکرده است و این حکومت در یک بحث ویژه بررسی نشده است. پژوهش‌های اندکی به بررسی تاریخ این مرحله زمانی می‌پردازد که به قسمت مشخصی از تاریخ حلب محدود می‌شوند. افزون بر این، مطالبی نیز در حاشیه کتاب‌های تاریخی وجود دارند که به بررسی تاریخ جنگ‌های صلیبی می‌پردازند.

چون کتابخانه عربی به پژوهش علمی و کارشناسانه‌ای که به بررسی تاریخ سلجوقیان در شام بپردازد، نیاز دارد، از این رو، تلاش کردیم تا در این موضوع بنویسیم. تا افزون بر اینکه تصویر کاملی به دست دهیم، برای خوانندگان محترم نیز مرحله مهمی از مراحل تاریخ اسلامی خود را روشن سازیم.

در این پژوهش از منابع مهم و متنوع مورخانی استفاده شده است که معاصر با این حوادث و وقایع بودند و در آن مشارکت داشته و آنچه را دیده‌اند، نوشتند. افزون بر این، از منابع مورخان جدید استفاده شده که نوشته‌های خود را به تاریخ این منطقه اختصاص داده و روایات دیگری به حوادث افزوده‌اند.

امیدوارم حقیقت تاریخ روشن و مشخص شود. همچنین امید آن داریم که این پژوهش ناچیز دست‌کم شرط یک پژوهش علمی را دارا باشد و آنچه را که زنده و مفید بوده برای نسل‌های آگامان مطرح سازد.

اما موضوعاتی که خواننده عنوان‌های آن را می‌بیند، به ده فصل تقسیم شده است: فصل اول به بررسی ریشه ترکان، روابط زودهنگام آنان با مسلمانان، از آغاز عصر خلفای راشدین تا عصر خلفای عباسی می‌پردازد.

فصل دوم به بررسی اوضاع سیاسی شرق عربی (اسلامی) اندکی قبل از ورود سلجوقیان از طریق بررسی اوضاع سیاسی عراق، اوضاع سیاسی شام و فعالیت‌های زودهنگام ترکان در شام پرداخته است. افزون بر این نیروهای سیاسی موجود در شام را نیز رصد می‌کند.

فصل سوم در بردارنده موضوع ظهور سلجوقیان در صحنه سیاسی و فعالیت‌های سیاسی نظامی آنان، موفقیت آنان در تأسیس سلطنت ترکان سلجوقی در خراسان و توسعه نفوذ آنان به سمت عراق و تصرف این منطقه است.

در فصل چهارم به بررسی حمله ترکان به شام و به دنبال آن، بررسی موج‌هایی از ترکان که به این سرزمین آمدند، که آخرین موج آنان، موج سلجوقیان بود، می‌پردازد.

فصل پنجم به بررسی چگونگی استقرار سلجوقیان در شام و تأسیس سلطنت سلجوقیان شام از سوی تتش پرداخته است.

فصل ششم درباره بررسی تاریخ شام تحت سیطره حکومت سلجوقیان است. همچنین جنگ میان تتش و آق سنقر حاکم حلب، ادغام شام از سوی تتش بعد از غلبه بر آق سنقر و کشتن او را مورد بررسی قرار داده است.

فصل هفتم درباره تاریخ اوضاع داخلی شام در زمان پسران تتش، رضوان و دقاق است که جنگ‌های سیاسی و نظامی به دلیل ادغام شدن شام و استقلال در حکومت آن را دربر دارد. فصل هشتم تاریخ اوضاع سیاسی حلب پس از مرگ رضوان از طریق مطالعه جنگ امیران محلی و امیران همسایه برای تصرف حلب تا افتادن حلب به دست عمادالدین زنگی را بررسی می‌کند.

فصل نهم نیز به بررسی روابط سلجوقیان و صلیبیان پس از ورود لشکر اول صلیبیان به شام می‌پردازد و این فصل به درگیری‌های نظامی در شمال شام اختصاص دارد. در فصل دهم تاریخ روابط سلجوقیان و صلیبیان ادامه می‌یابد. این فصل به درگیری‌های نظامی در جنوب شام اختصاص دارد.

اطمینان دارم که خواننده از این پژوهش لذت می‌برد و در بررسی وقایع با حقیقت مواجه می‌شود.

از خداوند می‌خواهم که آن را در راه خود خالص بگرداند و خواننده عرب و مسلمان از آن بهره ببرد. همانا او شنوا و جواب‌دهنده است.

محمدسهیل طقّوش

فصل اول

اصل و ریشه ترکان و روابط زودهننگام آنان با مسلمانان

ریشه و اصل ترکان

تقریباً همه مورخان و نویسندگان اتفاق نظر دارند، که اصل و ریشه ترکان به یافث بن نوح برمی‌گردد. طبری نقل می‌کند که سام بن نوح پدر عرب‌ها، ایرانی‌ها و رومی‌ها بود و حام پدر سودانی‌ها و یافث پدر ترک‌ها و یاجوج و ماجوج بوده است.^۱ مسعودی نیز با طبری در این زمینه موافق است.^۲ ابن خلدون نیز می‌نویسد: شجره‌نویسان اتفاق نظر دارند^۳ که پسران نوح که اقوامی از آنان پدید آمدند، سه نفر بودند: سام، حام و یافث. نام آنان در تورات نیز ذکر شده است، که یافث بزرگ‌ترین آنان، حام کوچک‌ترین و سام فرزند میانی بوده است. فرزندان یافث ترک‌ها، چینی‌ها، اسلاوها و یاجوج و ماجوج بوده‌اند که مفسران این مسئله را روایت و نقل کرده‌اند و شجره‌نویسان با آن موافق‌اند.

ظاهراً نویسندگان مسلمان نسبی را به ترکان منسوب کرده‌اند، که با اندیشه اسلامی آنان در تقسیم ملت‌ها همخوانی دارد. به گفته اینان ترکان از فرزندان یافث بن نوح هستند و حقیقتاً می‌توان گفت این دیدگاه در مورد اصل ترکان از تاریخ اسلام به دور و ریشه آن از تورات است. برخی نویسندگان مسلمان این دیدگاه را از تورات گرفته و در کتاب‌های تاریخی خود آورده‌اند. از جمله این افراد کعب الاحبار و وهب بن منبّه می‌باشند؛ ولی بدون شک ترکان همچون هر امت صحرائشین دیگری که دارای امتیازهای قومی و طبیعی خاص خود بودند، در سرزمین اصلی خود

۱. طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲. مسعودی، أخبار الزمان و من أبادة الحدثان، ص ۷۵.

۳. ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۶-۷.

ظهور کردند. آسیای میانه منطقه‌ای واقع میان تبت و چین در مشرق، سرزمین اصلی ترک‌هاست، که با نژادهای آسیای قدیم، یعنی سبیری در شمال و فنلاندی‌ها در غرب همسایه بودند. این سرزمین منطقه‌ای به شکل دوزنقه بود، که از سمت جنوب به کوه‌های هیمالیا، از سمت جنوب غربی به کوه‌های پامیر، از غرب به کوه‌های آلتای و بابلونوی و ستانوفوی، از شرق به کوه کنجان و کوکونور محدود می‌شد. مساحت زمین‌های محصور شده در میان این مرز طبیعی حدود ۶ میلیون کیلومتر مربع است که در آن کوه‌ها، دشت‌ها و سرزمین‌های پستی وجود دارند. بنابراین، ترک‌ها از لحاظ نژادی و زبانی از ریشه‌ای واحد نشئت گرفتند و حتی ممکن است، در اعصار ابتدائی مغول‌ها و تانگوت‌ها را هم شامل می‌شدند. تا اینکه وارد مرحله تاریخی شدند و خصوصیت‌های نژادی بارز و مشخصی برایشان قائل‌اند که دانشمندان به آن خصوصیات وحشی یا تورانی می‌گویند.

از این گفته‌ها، مشخص می‌شود که سرزمین ترک‌ها مناطق واقع شده در میان رودهای سیحون و جیحون یا منطقه‌ای که در اصطلاح اسلامی به آن ماوراءالنهر^۱ می‌گویند، را دربرمی‌گرفت که مسلمانان به مناطق شهرنشین واقع در میان این دو رشته رود ماوراءالنهر می‌گفتند؛ اما این منطقه مطابق با مفهوم جغرافیایی مسلمانان نبود. چراکه منظور از ماوراءالنهر ترک‌ها، سرزمین‌های پهناوری بود، که در میان سرزمین‌های اسلامی و امپراتوری چین امتداد می‌یافت، که جهانگردان ترکی و مغولی در آن اقامت می‌کردند.^۲

در ارتباط با مذهب ترک‌ها، می‌توان گفت که مذهب شمنی^۳ در میان ترک‌ها گسترش یافت که طرفداران آن معتقد به وجود دو خدا بودند. خدای آسمان و خدای زمین. آنان همچنین با آیین بودایی - که از هند انتشار می‌یافت - با آیین مانوی و زرتشتی - که از ایران وارد سرزمین آنان شد - و همچنین با مسیحی نسطوری - که از طریق مبلغان به آنجا وارد می‌شد - آشنا بودند.^۴ در عقاید آنان، آثار آیین توتمی را نیز مشاهده می‌کنیم که نام حیوانات را بر خود می‌نهادند. مانند ارسال آن که به معنی شیر است. همچنین اسم دوازده نوع حیوان را بر دوازده ماه

۱. شهرهای ماوراءالنهر شامل: بخارا، سمرقند، کش، نخشب، بیکند، چغانیان، فرغانه، سغد، شاش (چاچ)، اشروسنه، خجند و... است.

۲. بارتولد، ترکستان از فتح مسلمانان تا حمله مغول، ص ۱۴۵.

۳. شمن: کاهن، منجم و طیب و شاعر که کارهای خارق‌العاده انجام می‌داد.

۴. مصری، صلات عرب و فارس و ترک، ص ۲۸۳.

اصل و ریشه ترکان و روابط زوددهنگام آنان با مسلمانان ۹

سال می نهادند. از نظر آنان هر سال حکمتی داشت که آن را به فال نیک می گرفتند که غالباً به جنبه اقتصادی مربوط می شد. این ویژگی مختص به قبائل صحرائشین چوپانی بود. در میان ترکان مذهب زندقی بر مانی برتری داشت.^۱

نژاد ترک، تحت تأثیر محیطی بود که در آن زندگی می کردند. آنان صفاتی چون شجاعت، تنومندی، شرارت، بداخلاقی، حمایت از خانواده، مبارزه با دشمن، حمایت از گروه و قبیله و طایفه، غیرت و صبر داشتند که متأثر از محیط بیابان و صحرا بود.

جاحظ در وصف ترک‌ها می نویسد: ترک‌ها، صاحبان خیمه و چادر، ساکنان بیابان و پرورش دهنده چارپایان بودند. همچنان که هذیل از گردهای عرب بودند و به صنعت، تجارت، پزشکی، کشاورزی، معماری، عمران و آبادانی و جمع‌آوری محصولات نمی پرداختند و تنها به جنگ، غارت، شکار، سوارکاری، کسب غنیمت و فتح سرزمین‌ها می پرداختند و این مسائلی بود، که موجب افتخار ترکان و مایه لذت ایشان بود.^۲

ابن فقیه می نویسد: گروهی از این بادیه‌نشینان زندگی کوچ‌نشینی داشته و پیوسته در جستجوی علوفه و غذا بودند. همچنان‌که بادیه‌نشینان در سرزمین‌های اسلامی بدین کار مشغول بودند. آنان تسلیم هیچ پادشاه و حکومتی نبودند و از هیچ‌کس اطاعت نمی کردند. بعضی از آنان به بعضی دیگر حمله می کردند و به مقدسات یکدیگر دشنام می دادند.^۳

ظهور ترکان در صحنه سیاسی از قرن سوم پیش از میلاد آغاز شد و روابط میان ترک‌ها و عرب‌ها پیش از ظهور اسلام ایجاد شد. چراکه آنان در جنگ ایران و روم در خدمت سپاهیان ایران بودند. در سال ۵۷۹م، هنگامی که ایرانیان در زمان هرمز پسر خسرو انوشیروان، یمن را تصرف کردند، ترکان نیز در لشکر ایرانی‌ها حضور داشتند. همچنین مشهور است که مادر هرمز ترک بوده است.^۴ در جنگ‌های داخلی میان بهرام چوبین و خسرو پرویز، دو عنصر ترکی و عربی شرکت داشتند. ترک‌ها طرف‌دار بهرام چوبین بودند و عرب‌ها از خسرو پرویز حمایت می کردند.^۵

نقش عنصر ترک در صحنه سیاسی به‌طور مشخص از قرن ششم میلادی آغاز شد. هنگامی که

۱. ابن فقیه، کتاب البلدان، ص ۶۳۵.

۲. الجاحظ، رسائل الجاحظ، ج ۱، ص ۷۰-۷۲.

۳. ابن فقیه، کتاب البلدان، ص ۶۴۳.

۴. طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۲، ص ۱۷۲.

۵. در خصوص این جنگ‌ها ر.ک: فردوسی، شاهنامه فردوسی، ج ۲، ص ۲۱۳-۲۲۹.

ترکان به مناطق مرزی ایران در اطراف دریای خزر و دریای سیاه حمله‌ور شدند. قدرتمندان ایران عصر ساسانی بر اثر فشارهای ترکان در شرق دریای خزر دیوار، قلعه و سنگرهایی احداث کردند که بدین طریق به مبارزه با آنان پردازند. به‌ویژه آنکه از این طریق از شهر گرگان^۱ محافظت کنند. ولی این اقدامات مانع از نفوذ ترک‌ها و حملات آنان به مناطق غربی نشد.

در نیمه قرن ششم میلادی خان‌های ترک توانستند آسیای میانه را تحت قدرت و سلطه خود درآوردند و حکومتی فدرالی تشکیل دهند. بدین ترتیب آنان بر هیاطله^۲ و دیگر عناصر تورانی غلبه یافتند. افزون بر این آنان امیدوار بودند، تا با کمک امپراتوری روم، حکومت ساسانی را نابود سازند، ولی ضعف ترکان مانع از انجام این کار شد.^۳

پس از چندی حکومت ترکان در قرن هشتم میلادی به دو حکومت شرقی و غربی تقسیم شد و رو به ضعف گرایید. سرانجام چینی‌ها و مسلمانان از ضعف ترکان استفاده کردند. مورخان مسلمان از آغاز قرن سوم هجری در خصوص عنصر ترکی اطلاعاتی به دست می‌دهند. جاحظ قبائل مشهور ترک را چنین معرفی می‌کند: غز،^۴ قرغز، خزر، خرلخ و بجاناکیه.^۵ ولی ابن‌فقیه نژادهای ترک را بدین ترتیب برمی‌شمارد: خرلخ؛ که در سمرقند مستقر بودند و آنها ترک‌های اصیل هستند؛ غز و تغزغز؛ کیماک؛ که از پادشاهان بودند و ارجمندترین آنها ترک‌های بشناکیه و شریه بودند؛ تغزغز؛ که ترک‌های مسلمان و کوچ‌نشین بودند و بذکشیه؛ روستانشین و یکجانشین بودند.^۶

قلقشندی می‌نویسد: آنان گروهی مشهور و از فرزندان ترک بن کومر بن یافث بن نوح علیه السلام بودند. آنان از نژاد قبیحاق (خفشاخ)، تغزغز، تاتار، ختا، خرلخ، خزر، غز - که پادشاهان سلجوقی از غزان بودند - هیاطله و سغد بودند.^۷

۱. گرگان: شهر مشهور بزرگی میان طبرستان و خراسان (حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۱۱۹).

۲. هیاطله: هیطل اسمی برای سرزمین ماوراءالنهر که شامل: بخارا، سمرقند و خجند (همان، ج ۵، ص ۴۲۲).

۳. بارتولد، ترکستان از فتح مسلمانان تا حمله مغول، ص ۳۰۵.

۴. عربینی، مغول، ص ۳۱-۳۳.

۵. کتابجی، التکر فی مؤلفات الجاحظ، ص ۳۰.

۶. ابن‌فقیه، کتاب البلدان، ص ۶۳۴.

۷. قلقشندی، صبح الاعشی فی صناعة الانشا، ج ۱، ص ۴۲۰-۴۲۱.

فتح سرزمین ترک‌ها

در عصر خلفای راشدین

از زمان فتوحات اسلامی در زمان عمر بن خطاب در شرق روابط آشکاری میان مسلمانان و ترکان آغاز شد. مشهور است که پیامبر ﷺ نامه‌هایی برای خسرو، نجاشی، هرقل و مقوقس فرستاد و آنها را به اسلام دعوت کرد. همچنین گفته شده است که سلمان فارسی، بلال حبشی و صهیب رومی از جمله یاران پیامبر ﷺ بوده‌اند. به‌رغم عمومیت نامه‌های پیامبر، مورخان به اینکه پیامبر خدا به پادشاهان و فرمانروایان ترک نامه فرستاده، یا اینکه یکی از ترکان نیز از جمله اصحاب پیامبر بوده باشد اشاره‌ای، نکردند. می‌توان بر این امر دلالتی چند برشمرد: ۱. ترکان از مرکز دعوت اسلامی دور بوده‌اند؛ ۲. عرب‌ها به‌طور کلی از زبان ترکی اطلاع و آگاهی نداشتند؛ ۳. افزون بر این، ترکان تحت سلطه و قدرت یک پادشاه یا دولت واحدی نبودند، بلکه قبائلی صحرائشین بودند که همواره در جستجوی آب و غذا در مناطق مختلف حرکت داشتند.^۱

پس از آنکه مسلمانان ایران را فتح کردند و ایران جزئی از سرزمین‌های اسلامی شد، مسلمانان با اقوامی که در ماوراءالنهر سکونت داشتند، روبه‌رو شدند. بزرگ‌ترین این اقوام ترکان بودند که امیرنشین‌های کوچکی را پدید آورده و در ستیز با یکدیگر بودند. مهم‌ترین این امیرنشین‌ها بدین شرح بودند:

– طخارستان، در ساحل رود جیحون قرار داشت و پایتختش شهر بلخ بود.^۲

– ختل،^۳ مرکز آن هُلُبُک و اولین امیرنشین در آن سوی رود جیحون بود.

– چغانیان، که پایتخت آن چغانیان بود.

– خوارزم،^۴ مرکز آن جرجانیه بود.

اوضاع سیاسی این امیرنشین‌ها تحت تأثیر درگیری‌های مداومی که با یکدیگر داشتند، متزلزل بود. این همجواری مرزی ترکان در خراسان^۵ برای مسلمانان خطرناک بود. مسلمانان برای حل این معضل و برای جلوگیری از درگیری در این سرزمین تصمیم گرفتند، امیرنشین‌های ترک را به

۱. لمیلیم، نفوذ الأتراك فی الخلافة العباسیة، ج ۱، ص ۱۸۰-۱۸۱.

۲. بلخ: شهری مشهور در خراسان (حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۷۹).

۳. ختل: کوره‌ای وسیع و بزرگ که پشت جیحون قرار گرفته است (همان، ج ۲، ص ۳۴۶).

۴. خوارزم: کوره‌ای بزرگ و وسیع قرار گرفته در رود جیحون (مقلدسی، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم،

ص ۲۲۷-۲۲۹). ۵. حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۵۰.

سرزمین‌های اسلامی ضمیمه کنند. مسلمانان پیش از آنکه خطر ترکان بیشتر شود، اسلام را در میان آنان گسترش دادند. گفتنی است، که این امیرنشین‌ها به‌رغم درگیری با یکدیگر، هرگاه از جانب دشمنان خارجی احساس خطر می‌کردند، با یکدیگر متحد می‌شدند.

از جنبه اجتماعی، شرایط محیطی نوعی از زندگی را که مبتنی بر صحرانشینی بود، بر ساکنان این مناطق تحمیل می‌کرد. در نتیجه پیشرفت اجتماعی ترکان، شهرهایی که مانند دولت‌شهر بودند، تأسیس شدند که از جنبه فرهنگی پیشرفت‌هایی داشتند. گفتنی است، صحرانشینان به سختی می‌توانستند در آنجا نفوذ کنند و با آنها ارتباط برقرار سازند؛ اما با وجود این، به برکت بازرگانان و رجال دینی متصوفه،^۱ میان مسلمانان و ترک‌ها، قبل از ورود اسلام به این مناطق روابط تجاری وجود داشت. در این روابط مسلمانان توانستند اطلاعاتی از قبائل ترک، دولت‌ها و عاداتشان کسب کنند.

مسلمانان در آغاز تلاش کردند، تا ترکان را به اسلام دعوت کنند؛ اما تعداد کمی از آنان دعوت مسلمانان را پذیرفتند و بیشتر بر آیین شرک و بت‌پرستی خود باقی ماندند. آنان آشکارا با مسلمانان اظهار دشمنی می‌کردند، در نتیجه در عصر خلفای راشدین چندین بار مسلمانان به سرزمین ماوراءالنهر حمله کردند.

ظاهراً عمر بن خطاب مسلمانان را از عبور از رود جیحون برحذر می‌داشت و از این کار منع می‌کرد. هنگامی که او خبر غلبه احنف بن قیس به مروین^۲ و بلخ را شنید، به او نوشت: پس از این از رود عبور نکنید و به اطراف آن اکتفا کنید؛ پیروزی‌های خود را در خراسان ادامه دهید؛ مبادا از رود جیحون عبور کنید که شکست می‌خورید.^۳

اما در زمان عثمان بن عفان، احنف بن قیس به طخارستان لشکر کشید و طالقان^۴ را فتح کرد. او سپس به طرف بلخ حرکت کرد و اهالی آنجا بدون درگیری با او سازش کردند. همچنین به خوارزم لشکرکشی کرد و حتی از جیحون گذشت و ساکنان منطقه ماوراءالنهر بدون مقاومت با او سازش کردند.^۵

بلاذری گزارش‌های بسیاری درباره عبور مسلمانان از رود جیحون نقل کرده است. از جمله

۱. عمری ابن فضل الله، مسالک الأبصار و ممالک الأمصار، ص ۳۹.

۲. منظور مرو رود و مرو شاهجان است. ۳. طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۴، ص ۱۶۸.

۴. طالقان: شهر بزرگی در طخارستان (حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۶).

۵. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۹۷-۳۹۸.

اصل و ریشه ترکان و روابط زوددهنگام آنان با مسلمانان ۱۳

این گزارش‌ها این است، که عبدالله بن عامر از رود گذشت و برای شکرگزاری از خدا لباس احرام بر تن کرد.^۱ همچنین این گزارش که، حکم بن عمرو غفاری نخستین کسی است که در ماوراءالنهر نماز خواند.^۲

ولی مسلمانان در طی این لشکرکشی‌ها امکان فتح شهرها و استقرار در آنجا را به دست نیاوردند. در نتیجه در سال ۳۵ق/۶۵۶م در پی قتل عثمان بن عفان و آشوب‌های داخلی که خلفای راشدین شاهد آن بودند، فتوحات اسلامی در فرارود متوقف شد.

در عصر امویان

روایات تاریخی تصویر واضحی از این عصر برای ما ترسیم کرده‌اند، که با توجه به آنها می‌توانیم از این مقطع زمانی اطلاعاتی به دست آوریم. هدف اصلی مسلمانان از فتوحات در این برهه، تنها گسترش دین اسلام و جلوگیری از درگیری‌های داخلی مداوم میان قبائل ترک نبوده است؛ بلکه دستیابی به غنائم که نتیجه طبیعی پیروزی‌ها و فتوحات است، در نظر آنان بوده است.

جنگ‌های ابتدائی مسلمانان در ماوراءالنهر به صورت حملات تابستانی بود. به طوری که مسلمانان برای گذراندن فصل زمستان به خراسان باز می‌گشتند. شاید سلم بن زیاد که از سوی یزید بن معاویه ولایت خراسان داشت، اولین کسی بود که فصل زمستان را در آن سوی رود جیحون سپری کرد.^۳ بلاذری می‌نویسد: اهالی خوارزم در ازای پرداخت ۴۰۰ هزار دینار با او - سلم بن زیاد - سازش کردند و وی به همراه همسرش - دختر عبدالله بن عثمان بن ابی‌العاص ثقفی - از رود جیحون گذشت و اولین فرد عربی بود که از این رود عبور کرد.^۴

در نتیجه آشوب‌هایی که پس از مرگ یزید بن معاویه در سال ۶۴ق/۶۸۳م، پدید آمد، سلم بن زیاد مقرر فرمانروایی خود در خراسان را ترک کرد. همین آشوب‌ها باعث سیطره قبیله قیس به رهبری عبدالله بن خازم شد که تا سال ۷۲ق/۶۹۱م، همچنان حاکم خراسان بود. سرانجام وی به دستور خلیفه عبدالملک بن مروان، به دلیل اینکه از بیعت با او سرباز زده بود، کشته شد.^۵

۱. همان، ص ۳۹۸.

۲. همان جا.

۳. بارتولد، ترکستان از فتح مسلمانان تا حمله مغول، ص ۳۰۱.

۴. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۴۰۳.

۵. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۹۵-۳۹۶.

پیش از قتل عبدالله بن خازم، وی پسرش موسی را به ماوراءالنهر فرستاد و توانست ترمذ^۱ را فتح کند و بر اتحادیه میان ترک‌ها، ایرانی‌ها و هیاطله پیروز شود. در نهایت اخشید^۲ سغد، طرخان را مجبور به عقب‌نشینی کرد.^۳

در بحبوحه جنگ‌های داخلی میان والیان در ماوراءالنهر، موسی به جنگ با ثابت بن قحطبه خزاعی که دارای محبوبیت زیادی در آن منطقه بود پرداخت؛ اما عثمان بن مسعود به دستور مفصل بن مذهب و با کمک اخشید سغد و پادشاه ختل توانست، شهر ترمذ را در سال ۸۵ق/۷۰۴م، از تصرف موسی خارج کند و او را به قتل برساند.^۴

این چنین پیمان‌هایی با ترک‌ها که به مداخله در امور داخلی طرفین منجر می‌شد که تحت تأثیر شرایط سیاسی و درگیری فرمانروایان مسلمان با یکدیگر، متغیر بود.

ترک‌ها از این زمان به بعد در عمق جامعه اسلامی نفوذ کردند. بسیاری از آنها در قصرهای خلفا به کار گرفته شدند و کارهایی همچون نگهبانی و محافظت از سلامت شخصی خلفا انجام می‌دادند. همچنین خلفا از آنان برای از میان بردن فتنه‌ها و درگیری‌ها استفاده می‌کردند. عبدالملک بن مروان گروهی از سربازان ترک فرغانی را برای مبارزه با حارث بن عبدالرحمن بن سعید دمشق که در بیت المقدس متحصن شده و ادعای نبوت کرده بود، به کار گرفت.^۵

قتیبه بن مسلم باهلی که حجاج بن یوسف ثقفی او را در سال ۸۵ق/۷۰۴م، به‌عنوان والی خراسان انتخاب کرد، نخستین کسی بود که پایه‌های حکومت اسلامی را در ماوراءالنهر تثبیت کرد. او از درگیری و جنگ‌های داخلی میان ترک‌ها و آشفتگی سیاسی دولت‌های ترک استفاده کرد و پس از یک سلسله حملات نظامی توانست همه کسانی را که در زمان جنگ‌های داخلی^۶ علیه حکومت اسلامی به مبارزه پرداخته بودند، مجازات کند و دوباره سرزمین طخارستان^۷ را فتح کند. همچنین نیزک، یکی از فرمانروایان این سرزمین را مجبور به تسلیم کرد و سپس به قتل رساند.^۸

۱. ترمذ: شهری مشهور از مهم‌ترین شهرها، که بر ساحل شرقی رود جیحون و متصل به چغانیان است (حموی،

معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۶).

۳. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۵۲۲-۵۲۷.

۴. ابن اثیر، همان‌جا.

۶. طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۶، ص ۴۲۴-۴۲۵.

۷. ظاهراً اوضاع مسلمانان در این سرزمین در طول این سال‌ها از فتح احنف بن قیس در زمان خلافت عثمان بن

عقّان استقرار نیافته بود. ۸. طبری، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۶، ص ۴۵۸.

اصل و ریشه ترکان و روابط زودهنگام آنان با مسلمانان ۱۵

وی بخارا، بیکند، سمرقند، مرو، خوارزم، چاچ، فرغانه و کاشغر را - که همگی به جز مرو در سرزمین ماوراءالنهر بودند - تصرف کرد و به مرزهای چین رسید. قتیبه بن مسلم زمانی که سمرقند را فتح کرد، از اهالی آنجا خواست تا ۳۰ هزار نفر به کمک او بفرستند. همچنین زمانی که بخارا را تسخیر کرد، هزار نفر از مردان آنجا را به اسارت گرفت و بدون شک از بسیاری از این افراد در لشکرش استفاده کرد.

قتیبه به رغم پیروزی‌ها و فتوحاتی که به دست آورد، در میان لشکریانش محبوبیتی نداشت. هنگامی که وی از سال ۹۶ تا ۹۹ق/۷۱۵ تا ۷۱۷م تلاش کرد تا از اطاعت سلیمان بن عبدالملک که جانشین برادرش ولید شده بود، خارج شود، لشکریانش از اطراف او دور شدند و موجب شدند زندگی اش به پایان رسد.^۱

طولی نکشید که مسلمانان یک سال بعد از مرگ قتیبه سیطره خود را بر شهرهای اطراف رود سیحون از دست دادند. در سال ۱۰۳ق/۷۲۱م، حکومت دوباره به امیر فرغانه رسید. در حالی که نواحی جنوب غربی سرزمین ماوراءالنهر در تصرف مسلمانان بود و پادگان‌های نظامی مسلمانان در مقابل مبارزات ساکنان داخلی ایستادگی می‌کردند.

در سال ۹۷ق/۷۱۶م کورصول، رهبر قبیله ترکش^۲ یک حکومت قدرتمند برپا کرد که تا سال ۱۲۱ق/۷۳۹م، پابرجا بود. اسد بن عبدالله قسری، والی اموی به قدرت او پایان داد و آثار این قدرت همچون دیگر گروه‌های محلی حاکم در آن قرن از میان رفت.

در حقیقت اقدامات کورصول در این منطقه از آسیای میانه موفق‌آمیز بود، ولی درگیری با مسلمانان در سرزمین ماوراءالنهر امری طبیعی به نظر می‌رسید؛ چراکه برای گسترش قدرت و نفوذ خود در برابر مسلمانان به کشاورزان (دهقانان) شورشی مخالف مسلمانان کمک می‌کرد. این اقدام، کاری بس مهم بود.^۳

باید گفت سیاست حکومت امویان در اقدامات منفی مکرری که ساکنان ترک محلی علیه مسلمانان انجام می‌دادند، تأثیر داشته است؛ زیرا سیاست امویان سیاستی استوار و با ثبات نبود و آنان همواره به جنگ و تصرف سرزمین‌ها متمایل بودند. البته از دیگر دلایل اقدامات منفی ترکان را رفتار والیان بی مسئولیت می‌توان برشمرد. برای مثال، تحمیل مالیات جزیه بر

۱. طبری، همان، ص ۵۰۷-۵۱۶.

۲. قبیله ترکش، از قبائل مشهور ترکان غربی می‌باشند.

۳. بارتولد، ترکستان از فتح مسلمانان تا حمله مغول، ص ۳۰۶.

تازه‌مسلمانان، افزایش مالیات و ستم در جمع‌آوری مالیات از دیگر دلانلی بودند که ساکنان محلی را به شورش علیه نظام حکومتی سوق می‌دادند. به‌طور کلی والیان نقش پررنگی در صحنه اجتماعی این منطقه نداشته و به همین دلیل به‌طور مداوم والی جانشین والی دیگری می‌شد. عمر بن عبدالعزیز از سال ۹۹ تا ۱۰۱ق/۷۱۷ تا ۷۲۰م، هنگامی که به خلافت رسید شرایط ناگوار اقتصادی و اداری در سرزمین‌های فتح شده، را دریافت. وی سعی داشت مشکلات موجود در فتوحات را از میان ببرد. همچنین وی از رفتار کارگزاران بنی‌امیه در رفتار با مردم و اداره مناطق رضایتی نداشت. عمر بن عبدالعزیز معتقد بود کارگزاران در ظلم و ستم راه افراط را در پیش گرفتند و مصمم شد صالح‌ترین، شایسته‌ترین و دانشمندترین افراد را برای امور حکومتی بگمارد.

وی برای ایجاد مساوات و عدالت میان مسلمانان نیز صرف نظر از نژاد و طبقه آنها، برای گسترش اسلام و تثبیت آن میان مردم سرزمین‌های فتح شده و برای برپایی جامعه‌ای به دور از تعصبات قومی و قبیله‌ای سعی داشت، گرفتن مالیات (جزیه) از تازه‌مسلمانان را حذف کند. یکی از والیان او به نام عبدالله بن معمر یشکری توانست به نواحی دوردست شمال شرقی سرزمین ماوراءالنهر نفوذ کند و برای حمله به سرزمین‌های تحت سلطه امپراتوری چین آماده شود. اما ترکان مانع لشکرکشی او شدند و او مجبور به پرداخت خون‌بها برای نجات جان خویش شد.^۱

در نهایت عبدالله بن معمر یشکری به دلیل سیاست‌های معارض با گرایش‌های خلیفه، از سوی عمر بن عبدالعزیز برکنار شد و خلیفه عبدالرحمن بن نعیم غامدی را جانشین وی کرد.^۲ در این برهه، ترکان شورش سغدیان را دامن زدند. این شورش تا دوران جانشین عمر بن عبدالعزیز، یعنی سعید بن عبدالعزیز در سال ۱۰۲ق/۷۲۱م، و در زمان خلافت یزید بن عبدالملک (یزید دوم) ادامه یافت.^۳ ظاهراً سیاست مدارا در مقابل اهالی خراسان و جدی نبودن عبدالرحمن بن نعیم غامدی در از میان بردن شورش‌های ترکان، خشم و عصبانیت عرب‌ها را برافروخته بود و خلیفه در سال ۱۰۳ق/۷۲۲م، او را برکنار کرد و سعید بن عمرو حرشی جانشین او شد.^۴

۱. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۴۱۵.

۲. همان جا.

۳. همان، ص ۴۱۶.

۴. همان جا.